

جواب فتح‌علیشاه به نامهٔ لوئی هیجدهم

خدایو فلک‌جاء معظم ، دارای خورشید رأی مکرّم خسر و قضا عزم قدر همم ، دولت بلند اختر معالی شیم امپراطور معظم مفتخ پادشاه ممالک فسیحة المسالک فرانسیس را گوهر وجود جلالّت نمود زیب افزای دیهیم منصب و تاجداری و اختر بخت فیروز ضیاء بخشای فلک دولت و شهر یاری باد . مبارک نامه آن دوست خجسته در زمانی بصنوف سرور و بهجت پیوسته ، رسید . شمع آن روشنی بخش انجمن محبت و گلبن جنت و زیب افزای چمن یکجتهی گشت . مبارکی جلوس میمون را بتجدید عهد دوستی این دو دولت جاوید پرداخته ، الفت قدیم این دوشوکت قدیم را شرحی تازه ساخته . تقاضای خاطر دوستی ذخایر و جنایای ضمیر خلت مظاهر را بترسیم مراسم یکجتهی و تبیین مبانی یگانگی در طی آن ظاهر کرده بودند . دل محبت مایل را از تنظیم مهمات آن دولت ابد آیات ابتهاجی کامل شد بی نهایت خرسند و خوشوقت شدیم . مراودت و مرابطت و موافقت دولتین عالیبتین ایران و فرانسه امروزی نیست . قواعد الفت و ضوابط محبت از سوائف اعصار فیما بین این دوشوکت پایدار برقرار بوده و تجدید عهد عهداً بعد عهد بر مراسم یکجتهی و دوستی افزوده . دوری مسافت ما بین را تدارک از نزدیکی دلها کرده اند اکنون نیز از هر دو جانب شایسته اینست که ابواب مراودت باز و اسباب موافقت بر ساز آغاز باشد و ثمر این یکجتهی و مهربانی بر اولیای هر دو دولت ظاهر و مقصود خاطرها حاصل گردد . سزاوار رسم دوستداری چنین است که گاه بیگانه خاطر دوستان را از وصول نامه‌های دوستانه خوشوقت سازند . ایام سلطنت و کامکاری مستدام باد